

بسم الله الرحمن الرحيم

اثرات هویت شیعی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال حوثی‌های یمن

۱۴۰۴

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در ژئوپلیتیک غرب آسیا و جهان اسلام به شمار می‌رود که با برجسته کردن نقش تشیع، کانون جدیدی برای تعاملات منطقه‌ای ایجاد نموده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با تکیه بر هویت شیعی، فراتر از ابعاد مذهبی، به ابزاری برای گسترش نفوذ و تقویت جایگاه سیاسی ایران در منطقه تبدیل گردیده است. این سیاست، با ایجاد حس تعلق و تقویت خودباوری در میان جوامع شیعی، به‌ویژه در یمن، منجر به ظهور و تقویت گروه‌های سیاسی فعال و حامیان مذهب شیعه گردیده است. پژوهش حاضر، با تمرکز بر جنبش حوثی یمن، به بررسی تأثیرات عمیق این رویکرد سیاست خارجی پرداخته است.

پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی چه تأثیری بر حوثی‌های یمن داشته است؟

فرضیه مورد آزمون این است که انقلاب اسلامی، نه تنها احیای هویت شیعی را در منطقه غرب آسیا تسریع بخشیده است، بلکه با ارائه الهاماتی از مقاومت، خود ایستادگی و جهاد در راه هدف، بر شکل‌گیری و جهت‌گیری حوثی‌ها تأثیرگذار بوده است. به‌طور مشخص، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در یمن، موجب تقویت روایت‌های ضد سلطنتی و تأکید بر استقلال‌طلبی در میان حوثی‌ها شده و آن‌ها را در مسیر مقابله با نفوذ خارجی و دفاع از منافع خود هدایت کرده است.

این پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و چارچوب نظری سازه‌انگاری، به تبیین مکانیسم‌های این تأثیرگذاری و بررسی پیامدهای آن برای ثبات منطقه‌ای و امنیت جهانی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه هویت شیعی به ابزاری استراتژیک در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است.

کلمات کلیدی: سیاست خارجی - هویت شیعی - حوثی‌های یمن

تحولات اخیر در یمن و ظهور جنبش حوثی‌ها، به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه منطقه غرب آسیا، پرسش‌های بنیادینی را در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است. این مطالعه به بررسی نقش هویت شیعی در شکل‌گیری و هدایت این سیاست می‌پردازد، چرا که تعاملات ایران و حوثی‌ها اغلب با ارجاعات به پیوندهای مذهبی و فرهنگی مشترک توصیف شده‌اند. درک این رابطه، فراتر از تحلیل صرفاً ژئوپلیتیکی، برای فهم جامع‌تری از استراتژی‌های ایران در غرب آسیا حیاتی است. اهمیت این پژوهش در جایگاه‌گیری در تقاطع مطالعات هویت، سیاست خارجی و منازعات منطقه‌ای قرار دارد. تأکید بر نقش هویت شیعی در سیاست خارجی ایران، به ویژه در قبال حوثی‌ها، به چالش کشیدن رویکردهای سنتی که بر ملاحظات امنیتی و اقتصادی تمرکز دارند، می‌انجامد. این درک می‌تواند به تحلیل دقیق‌تری از انگیزه‌های ایران و پیش‌بینی بهتر اقدامات آتی آن کمک نماید.

ضرورت بررسی این موضوع در حال حاضر، با توجه به تشدید بحران یمن و افزایش تنش‌های منطقه‌ای، دوچندان احساس می‌شود. تحلیل دقیق و مستند تأثیر هویت شیعی بر سیاست ایران، می‌تواند به درک بهتر پویایی‌های پیچیده درگیر و یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک مؤثرتر یاری رساند. همچنین، این مطالعه برای سیاست‌گذاران، تحلیل‌گران، و محققان علاقه‌مند به خاورمیانه و روابط بین‌الملل، ارزشمند است. اهداف اصلی این مطالعه، شناسایی و تحلیل ابعاد مختلف هویت شیعی و چگونگی تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در قبال حوثی‌ها است. این شامل بررسی روایت‌های رسمی ایران، تحلیل سخنرانی‌ها و بیانیه‌های رهبران و ارزیابی تأثیر این روایت‌ها بر رفتار و سیاست‌های عملی است.

همچنین، در این پژوهش به دنبال ارزیابی میزان اهمیت این عامل در مقایسه با سایر عوامل مؤثر (مانند ملاحظات امنیتی و اقتصادی) می‌باشیم. نوآوری این پژوهش در رویکردی است که اتخاذ می‌کند. در حالی که مطالعات پیشین بیشتر بر جنبه‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی تمرکز داشته‌اند، این مطالعه با تمرکز بر نقش هویت شیعی، یک زاویه دید جدید را ارائه می‌نماید. همچنین، تلاش می‌شود تا با استفاده از ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی، تحلیل عمیق‌تری از این پدیده ارائه شود و به بررسی ابعاد غیررسمی و ناگفته‌های این رابطه بپردازد. در نهایت، این مطالعه به دنبال ارائه چارچوبی تحلیلی است که بتواند درک ما از سیاست خارجی ایران در منطقه غرب آسیا را ارتقا دهد.

چارچوب نظری:

با در نظر گرفتن نقش حیاتی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران، این پژوهش بر مبنای سازه‌انگاری اجتماعی استوار است. سازه‌انگاری، برخلاف رویکردهای رئالیستی، بر این باور است که رفتار بین‌المللی، تحت تأثیر هنجارها، باورها و ایدئولوژی‌ها شکل می‌گیرد. در تحلیل روابط ایران و حوثی‌ها، سازه‌انگاری به ما اجازه می‌دهد تا فراتر از ملاحظات صرفاً استراتژیک و منافع مادی، به بررسی عمیق‌تری از عوامل مؤثر بپردازیم. هویت شیعی مشترک، به عنوان یک عامل هنجاری و معنوی، نقش محوری در شکل‌دهی سیاست‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. سازه‌انگاری به ما کمک می‌کند تا درک کنیم چگونه این هویت، درک متقابل، ارزش‌ها و انتظارات را بین دو طرف تعیین می‌کند و در نتیجه، بر نوع تعاملات و همکاری‌ها تأثیر می‌گذارد. این رویکرد، با تأکید بر نقش زبان، گفتمان و بازنمایی‌ها، به روشن شدن ابعاد پنهان و غیرملموس این رابطه پیچیده می‌پردازد و از تقلیل آن به صرفاً یک معادله‌ی قدرت جلوگیری می‌کند.

روش پژوهش:

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تحقیق توصیفی می‌باشد. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند شناخت بیشتر شرایط موجود و یاری‌رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. در نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی اثرات هویت شیعی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال حوثی‌های یمن، توصیف و مورد واکاوی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: وحدت، استکبارستیزی و هویت شیعی

در آغاز نهضت انقلاب در ایران، ایجاد وحدت فی‌مابین ملت‌های جهان همانند «سیاست ایجابی» جزء یکی از اصول و شعارهای اساسی ملت بزرگ ایران بوده است. همچنین اصل نفی سبیل یا همان مخالفت با تسلط کفار بر مسلمانان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی و عدم تعهد در مقابل کشورهای زورگو و مستکبر، برآیند کلی تعیین خط و مشی سیاست‌گذاری در امور خارجی را تعیین نموده که یکی از نمونه‌های آن را می‌توان در مبارزه جمهوری اسلامی ایران با هژمونی غرب بیان نمود. به این معنا که سیاست خارجی مبتنی بر احکام و مبانی اسلام و با الهام از هویت شیعی، بستر و ظرفیت فکری مطلوبی را به‌منظور مبارزه با برتری‌خواهی غرب به وجود آورده است. یکی دیگر از این جلوه‌های سیاست خارجی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی و مذهب تشیع را می‌توان در نمایان شدن مبارزه با سلطه گران، زورگویان و مستکبرین عالم مشاهده نمود. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۹۳).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر سه پایه اصلی:

۱: استقلال و حفظ تمامیت ارضی

۲: استکبارستیزی

۳: برپایی یک دولت شیعی استوار است.

با توجه به اندیشه‌های رهبر کبیرانقلاب، ذات و خمیرمایه سیاست خارجه که در اصل مقدمه و متن کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تأکید مؤکد نموده است، به‌وضوح نشان‌دهنده چهره اسلامی سیاست خارجه پویا و مبارزه جویانه بوده که آرمان و مقصود نهایی آن اتحاد در دنیای اسلام و بست و گسترش حاکمیت پروردگار عالم بر روی کره خاکی می‌باشد. اصول و اهداف اساسی که از طریق اصل کلی و اساسی نه شرقی نه غربی، همچنان در جستجوی ایجاد و پیاده نمودن آرمان‌ها، اهداف و آمال دورودرازی است که جامعه انقلابی و اسلام‌خواه به این اصول و اهداف، اعتقادی راسخ و عمل‌گرایانه داشته‌اند. این اصل که در مقابل یکی از اصول حاکم بر نظام بین‌الملل، پدیده‌ای جدید و کاملاً متفاوت به شمار می‌آید، حتی با اصل موازنه منفی و موازنه مثبت که اصل و اساس تاریخ سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌دهد، متفاوت و متمایز است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۴۷)

در کنار اصول و عقایدی مانند معنویت، نثار جان در راه خدا و ارزش‌های والای انسانی، اخلاق، علم‌گرایی و اطلاعات از ولایت‌فقیه، موقعیت و جایگاه استراتژیک و ژئوپلیتیک و نیز پیشینه و سابقه تمدنی و اهمیت ویژه به تولید علم و وجود منابع غنی اولیه، از کشور ایران بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، کشوری قدرتمند و مؤثر در تحولات منطقه غرب آسیا و جهان ساخته است. این موضوع سبب گردید که امروزه کشور ایران در جایگاه یک سرمشق و الگو برای کشورها و جنبش‌های آزادی‌خواه دنیا به‌ویژه کشورهای مسلمان منطقه تبدیل گردد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۷، ص ۱).

عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با الهام از هویت شیعی

رهبر کبیر انقلاب در آغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ملت‌ها را مورد خطاب قرار دادند تا از راه صدور پیام معنویت، عدالت‌جویی و آزادی‌خواهی به مسلمانان و مستضعفان عالم، حکومت‌های اسلامی نیز در مسیر شایسته و صحیح قرار گرفته و در این‌باره بر دعوت عملی، علاوه بر دعوت گفتاری و مکاتبه‌ای اصرار و پافشاری فزاینده داشتند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی اصل تولی و تبری می‌باشد که از قوانین و مقررات عمده تنظیم روابط و مناسبات دولت اسلامی با سایر کشورها بر اساس مرزبندی‌های عقیدتی و نحوه رفتار طرف مقابل می‌باشد. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران تألیف قلوب یا همان پشتیبانی از مسلمانان و مستضعفان می‌باشد. درنهایت، پای بندی به پیمان‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها و عرف بین‌المللی که با توجه به‌قاعده الزام و اجبار و در صورت تحقق شرایط حفظ نظام اسلامی و عدم وجود ضرر و زیان و همخوانی محیط عینی - عملیاتی با محیط ادراکی دولت - ملت‌ها امری ضروری جهت برقراری صلح و عدالت در عرصه بین‌المللی تعبیر و تفسیر می‌شود. با توجه به این قواعد

فقهی است که رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال سایر کشورها و نیز در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی تعیین می‌گردد و مناسبات دوجانبه و چندجانبه ایران در چارچوبی مشخص شکل می‌گیرد. بر اساس موارد فوق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر هویت اسلامی - شیعی، راه و روشی برای اشاعه تعالیم حیات‌بخش اسلام و صدور پیام معنویت و آزادی و استقلال به جهانیان می‌باشد. در چتر حمایتی انقلاب اسلامی، شیعیان در کشورهای مختلف خصوصاً در منطقه غرب آسیا از انزوای سیاسی - اجتماعی خارج گردیده و در مسیر قدرت‌یابی و نوسازی هویت خود گام برداشته‌اند. از آنجاکه انقلاب اسلامی و سیاست خارجی ترسیم‌شده برگرفته از اصول و آرمان‌های مذهب ناب تشیع می‌باشد، شیعیان دیگر کشورها بخصوص شیعیان کشورهای مجاور ایران متأثر از اهداف و آرمان‌های آن گردیده‌اند. این تأثیرگذاری در آغاز به‌صورت خودآگاهی مذهبی و پس‌از آن تمایل جهت احقاق حقوق و سهیم‌شدن در قدرت بوده است. (رهبر و دیگران، ۱۳۹۵: شماره ۳۶، ص ۲۱).

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی: استقلال، عدالت، و استکبارستیزی

مجموعه اصول و مبانی حاکم بر سیاست خارجه جمهوری اسلامی مطابق قانون اساسی را می‌توان در موارد زیر بیان نمود: سعادت انسان‌ها در کل جوامع بشری، استقلال کشور، استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، مبارزه با نظام سلطه در جهان، پشتیبانی از مبارزات حق‌طلبانه‌ی مستضعفین، تعهد برادرانه در قبال جمیع مسلمانان، همبستگی و اتحاد ملت‌های مسلمان و اتحاد جهان اسلام و همچنین دفاع از حقوق همه مسلمانان در سطح جهان، نفی هرگونه زورگویی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عدم تعهد در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر، نفی کامل استعمارگران و جلوگیری از نفوذ اجانب، حفظ تمامیت ارضی، نفی و دوری از معاهدات و پیمان‌نامه‌هایی که موجب سلطه‌گری بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور، فرهنگ و نیروهای نظامی می‌گردد. روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب، صداقت و وفای به عهد در معاهدات و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی. (مجله حصون، ۱۳۸۵، شماره ۱۰)

با توجه به کلیات بیان‌شده در قانون اساسی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی به‌عنوان کشوری با ساختار اسلامی، شعاع عملکردی روشن و عقلانی داشته که مرزهای آن را اصول و موازین اعتقادی و مکتبی اسلام ناب محمدی (ص) تعیین می‌نماید. یکی از اصول اساسی «نه شرقی، نه غربی» به‌عنوان یکی از مبانی حاکم بر سیاست خارجی کشورمان در ترسیم این مرزها نقش بسیار مهمی بر عهده دارد. سیاست و اصل «نه شرقی، نه غربی» به‌عنوان یکی از اصول اعتقادی، معیار روشنی به دست می‌دهد که براین اساس، رفتار و اطلاعات و ارزیابی‌های دستگاه دیپلماسی در کشور ایران و سایر وزارتخانه‌ها مورد ارزشیابی و داوری قرار می‌گیرد. (پایگاه اینترنتی منابع اسلامی، ۱۳۹۱)

سیاست خارجی ایران با الهام از هویت شیعی در تلاش است از حقوق به‌حق مردم مظلوم جهان دفاع و به هر شیوه ممکن آنان را یاری رساند. در همین زمینه، در تلاش است با برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص موضوعات مطرح در سطح منطقه غرب آسیا و نظام بین‌الملل، اجماعی در بین نخبگان داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای دفاع از حقوق به‌حق مردم مظلوم ایجاد نماید.

نقش هویت شیعی و عوامل محیطی در تعیین سیاست خارجی ایران در صحنه نظام بین‌الملل

سیاست خارجی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی تحت تأثیر عوامل، دگرگونی‌ها و متغیرهایی در سطوح مختلف شامل فردی، خارجی و داخلی می‌باشد. دگرگونی‌های اجتماعی و ملی مؤثر بر سیاست خارجه در ایران را می‌توان در چارچوب عوامل و عناصر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی تقسیم‌بندی و دسته‌بندی و پس‌از آن مورد تحلیل و بررسی قرارداد.

برخلاف تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها از برخی عوامل اثرگذار و تعیین‌کننده سیاست خارجه، عوامل فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی نیز نقش بسیار مهمی بر سیاست خارجه ایران ایفا نموده است. رفتار و عملکرد بازیگران و کارگزاران در صحنه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی به‌خوبی نشان داده است که جداسازی بین سیاست داخلی کشور و سیاست اتخاذشده در سطح خارجی و نظام

بین‌الملل حداقل در خصوص این کشور آن‌قدر واقع‌بینانه نبوده است؛ زیرا تعامل و همزیستی و پیوندی استوار و محکم در بین عوامل و تحولات داخلی ایران و رفتار اتخاذشده در سطح نظام بین‌الملل وجود دارد. به‌ویژه اینکه، هویت شیعی و ماهیت برگرفته از دین مبین اسلام و نظام باورهای جمعی، اعتقادی و ارزشی حاکم بر جامعه در جمهوری اسلامی عاملی بسیار مهم، ویژه و اثرگذاری در تعیین و تدوین سیاست خارجی در ایران به شمار می‌آید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۵۰)

شیرین هانتر استاد ایرانی آمریکایی در دانشگاه جورج تاون آمریکا که تا قبل از انقلاب ایران در وزارت خارجه فعالیت نموده است در کتاب «اسلام و غرب» این‌گونه بیان می‌کند که: چهار عامل وجود دارد که به ناپایداری و نوسان در سیاست خارجه در ایران کمک کرده است:

۱: غلبه سنت‌گرایی نوین در ساختار سیاسی در کشور ایران و نقش‌آفرینی سنت‌گرایی در حوزه سیاست خارجه

۲: ارزیابی‌های ایدئولوژیکی و نیز غیرواقع‌گرایانه از قدرت و قابلیت ایران

۳: واکنش کشورهای دیگر در صحنه نظام بین‌الملل نسبت به مبارزه‌طلبی انقلابی مردم ایران

۴: تجدیدنظر در یکی از اصول مهم یعنی چشم‌انداز عقیدتی در ایران (هانتر، ۱۳۸۰: ۲۳۰-۲۲۰)

در آغاز پیدایش انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجه برخی دگرگونی‌های محیطی به‌تدریج موجب شد تا دولت اسلامی در ایران به اهمیت ویژه و تأثیرگذار این وظایف پی برده که باید میان منطق ملی و فراملی درواقع نوعی موازنه برقرار نماید؛ اما در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب علی‌الخصوص سال‌های بعد از رحلت امام (ره)، به‌تدریج در برخی مقاطع شاهد اولویت و ارجحیت دادن به منطق ملی بر فراملی بوده‌ایم. این مسئله به‌ویژه به علت فشارهایی بوده است که محیط عمدتاً بین‌المللی چه از منظر منطقه‌ای و چه از منظر جهانی بر ایران وارد ساخته و جهت‌گیری آن را تعیین نموده است. (اردم، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳)

محدوده عملیاتی در سیاست خارجه ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا

سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، برای اجرای اهداف و اولویت‌های تعریف‌شده خود به یک محدوده عملیاتی نیازمند است که در دو بخش محیط پیرامونی و منطقه‌ای و محیط بین‌المللی تقسیم‌بندی شده است:

محیط پیرامونی و منطقه‌ای:

تعریف نقش برای بازیگری جمهوری اسلامی ایران در چارچوب ایده «ایران پل منطقه‌ای» می‌تواند به بهترین شکل منافع ملی را در راستای کلیات سیاست خارجه و همچنین سند چشم‌انداز و دیگر قوانین تدوین‌شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی تأمین نماید. اندیشه پل منطقه‌ای نگاهی راهبردی در سیاست خارجه در کشور ایران بوده که در راستای اتصال جغرافیای کشور به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر خصوصاً در محیط پیرامونی و منطقه غرب آسیا می‌باشد. هدف از اتخاذ این سیاست ارتقاء جایگاه ویژه ایران در سطح منطقه و تبدیل آن به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در کوتاه‌مدت و یک قدرت بزرگ جهانی در بلندمدت می‌باشد. پیگیری این سیاست با افزایش حوزه نفوذ و گره زدن امنیت ایران به امنیت مناطق پیرامونی توان بازدارندگی کشور را در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و اجتماعی بسیار بالا می‌برد. لذا کشور بزرگ ایران محیط استراتژیک حساس و مهمی داشته که می‌بایست با تصمیم‌سازی منطقی نهایت بهره را از آن برد. نقشی که هم با واقعیت جغرافیایی کشورمان متناسب باشد و هم فرصت‌ها را به حداکثر و تهدیدات را به حداقل برساند. تبدیل ایران به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر در معادلات منطقه‌ای دور از دسترس نیست. کشوری که می‌تواند در اختلافات بی‌شمار بین کشورهای موجود در پیرامون خود نقش میانجیگری را ایفا کند و با تبدیل ایران به یک قطب منطقه‌ای دوره جدیدی از شکوه و درخشش ایران را رقم بزند. (پارسایی، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲)

در محیط پیرامونی منطقه غرب آسیا، ایران به هنگام عملی ساختن اصول خود که برگرفته از همان هویت شیعی حاکم بر سیاست خارجی می‌باشد باید به تأثیر عوامل و رعایت ملاحظات زیر عمل نماید:

۱: جایگاه بازیگری ایران منطقه‌ای بوده و می‌بایست سعی نماید در ایجاد ترتیبات پایدار منطقه‌ای تلاش نماید.

۲: همکاری در منطقه غرب آسیا و نظام بین‌الملل را می‌بایست از موضوعات ابتدایی و پائین تر که اختلاف در مورد آنان کمتر می‌باشد آغاز نمود تا به موارد عمیق‌تر دست یابد.

۳: جهت فراهم نمودن الگوی اجماع بر سر مسائل منطقه‌ای و برای اعتمادسازی تلاش نماید.

۴: مسائل منطقه‌ای فرمول یکسانی ندارند و می‌بایست برای هر یک فرمول جداگانه‌ای تنظیم نماید.

۵: یکی دیگر از این ملاحظات، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دولت ملت‌ها در نظام‌های سیاسی و حفظ عمق استراتژیک در مقابل با محیط پیرامونی می‌باشد.

۶: تأثیرگذاری بر روند پیرامونی در نظام‌های سیاسی و کنترل وقایعی که در چارچوب امنیت و منافع ملی در محیط بیرونی در حال وقوع است و محور قرار دادن عنصر منافع و امنیت در معادلات گوناگون

۷: پیگیری سیاست تنش‌زدایی در روابط، مبتنی بر تعامل با همسایگان و فراهم نمودن سیستم همکاری دسته‌جمعی

۸: ایجاد اعتماد و نیز حسن نیت در میان کشورهای سیاسی در منطقه و حفظ موازنه و آمادگی و همچنین توانایی مدیریت بحران‌ها برای کنترل و حل‌وفصل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی

۹: تلاش برای هم‌گرایی و هم‌افزایی میان کشورهای منطقه بر مبنای اصول تأمین منافع مشترک و افزایش قابلیت‌های فرصت‌سازی و تبدیل تهدیدات بیرونی به فرصت‌ها (اردب، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳)

محیط بین‌المللی:

اگر کشوری بخواهد در دنیای کنونی قدرتمند باشد و در صحنه نظام بین‌الملل به حساب آید ناچار از داشتن سه مؤلفه اصلی قدرت خواهد بود. این سه بازوی قدرت، دیپلماسی، صنعت و فن‌آوری و نیروی نظامی مقتدر و نیرومند است.

مؤلفه اول داشتن دیپلماسی قوی می‌باشد، هم در جنگ و هم در زمان صلح، زیرا اساساً هر جنگی که بر پایه یک پروژه سیاسی نباشد، جز ماجراجویی نمی‌تواند معنا داشته باشد و در جنگ، سفیران برجسته و ممتاز کم‌ارزش‌تر از فرماندهان عملیاتی تلقی نمی‌شوند و وزارت خارجه به‌مانند اتاق فرمان دیگری دور از جبهه نقش‌آفرینی نموده و تشدید و کند کردن عملیات نظامی با هماهنگی و همراهی دیپلمات‌ها معنا پیدا می‌کند. کشوری که دارای دیپلماسی قوی باشد، از روابط قدرت جهانی و منطقه‌ای ارزیابی درست دارد و به‌قول معروف با حساب و کتاب بر جایگاه بزرگان تکیه می‌زند و پای قدرتمندی‌اش را به‌اندازه گلیم قدرت خود دراز می‌نماید و در نهایت با داشتن یک دیپلماسی قوی است که کشورها می‌توانند از امکانات بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی بهره‌گیرند.

مؤلفه دوم قدرت یک کشور، توانمندی صنعتی و تکنولوژی آن می‌باشد به‌گونه‌ای که در شاخه‌های گوناگون صنعت و تحقیقات در عرصه جهانی دارای حرف تازه و در صنایع استراتژیک خود کفا باشد. برای مثال شش قدرت جهانی وقتی تن به مذاکره با ما دادند که دانشمندان هسته‌ای ما توانستند سد غنی‌سازی ۲۰ درصد را از میان برداشته و مهندسان ما توانستند با موشک‌های خود از جو زمین عبور نمایند. وقتی کشوری دارای بنیه علمی بالقوه باشد می‌تواند این توانایی را فعلیت بخشیده و نیازهای ضروری خود را تولید کند. مؤلفه سوم قدرت، نیروی توانمند نظامی مجهز به فناوری پیشرفته به‌روز و نیروی انسانی آموزش‌دیده است. در کنار توصیه‌های دینی و توجه به واقعیت‌های پیرامونی برای جمهوری اسلامی ایران که هشت سال درگیر جنگ تحمیلی بوده است، نیازی به استدلال نیست که بدانیم اگر نیروهای مسلح توانمند نداشتیم نه‌تنها از جنگ تحمیلی سرفراز بیرون نمی‌آمدیم، بلکه کشورمان نیز به‌صورت یکپارچه امروزی وجود خارجی نداشت و باز اگر امروز می‌بینیم که از سناتورهای آمریکایی گرفته تا محافظه‌کاران عرب منطقه غرب آسیا به دنبال ایران هراسی هستند یکی از علت‌هایش قدرت نیروهای مسلح ماست که تضمین‌کننده عزت و سرافرازی کشور می‌باشند. (شجاعیان، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵)

واقعیت‌های سیاسی و جغرافیای کشور ایران به‌گونه‌ای است که به ما امکان تبدیل‌شدن به یک قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا را می‌دهد و مرزهای آبی ما در دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس و قرار گرفتن کشور در منطقه برخورد دو قاره آسیا و اروپا، به یک ایران مقتدر امکان حضور و مشارکت در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های جهانی را خواهد داد. همان‌طور که جمهوری اسلامی ایران

در جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی نشان داد که فناوری های پیشرفته در حوزه نظامی به خصوص موشکی و نیروهای توانمند در نیروهای مسلح تضمین کننده امنیت، ثبات، عزت و باعث سرافرازی ایران گردیدند و دشمن مجبور شد درخواست آتش بس نماید .

تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری شیعی حوثی های یمن

پیدایش انقلاب اسلامی در ایران که در مرکز تجمع شیعیان جهان واقع گردیده است، حداقل در چهار محور زیر، جوامع شیعی از جمله شیعیان کشور یمن را متأثر ساخته است:

۱: خودشناسی و هویت یابی دوباره شیعیان

۲: پیدایش و یا تقویت احزاب و تشکلهای سیاسی

۳: کنش های سیاسی عاطفی شیعیان

۴: همکاری در ساختار سیاسی کشورها (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۷۱)

در همین راستا پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از مقاومت شیعیان حوثی در یمن را می توان به شرح ذیل بیان نمود:

پیشتازی معترضان در یمن به رهبری شیعیان حوثی و جنبش انصار الله، بار دیگر تأثیر تفکر مقاومت را در سطح منطقه غرب آسیا اثبات نمود، بخصوص آنکه جنبش انصار الله یمن، الگویی از جنبش حزب الله لبنان می باشد. حزب الله لبنان بخشی از ساختار سیاسی کشور لبنان می باشد و در راستای پایداری سرزمینی و سیاسی در کشور لبنان حرکت می کند. از این دیدگاه، شیعیان حوثی در تکاپو برای مشارکت دموکراتیک در حکومت کشور خود هستند. از این رو، ایجاد یک حکومت دموکراتیک که هدف اصلی انقلابیون در یمن باشد، در جهت مصالح منطقه ای ایران خواهد بود و می تواند منافع مشترک فی مابین را تقویت نماید. از این رو، جمهوری اسلامی در چند سال اخیر در تلاش می باشد، با راهکار مناسب و با اتخاذ یک سیاست خارجی پویا، از این دارایی اجتماعی ایجاد شده در جغرافیای خلیج فارس به نحو بهینه استفاده نموده و این امر می تواند ابزاری در جهت برقراری موازنه و تعادل در منطقه باشد، هر چند در شرایط فعلی نیز نفوذ جمهوری اسلامی در قیاس با دیگر قدرت های منطقه ای و بین المللی مقتدرانه تر می باشد. حضور شیعیان زیدیه در ساختار جامعه یمن که در حدود یک سوم از ساختار جمعیتی این کشور را تشکیل می دهد، از جمله برجسته ترین فرصت ها در راستای منافع ملی ایران می باشد. شرایط و تحولات چند سال اخیر نیز نشان می دهد که جایگاه این گروه شیعی که بزرگ ترین اقلیت در کشور یمن می باشند، در معادلات سیاسی آینده در این کشور پررنگ تر خواهد بود. از این رو، مشارکت و حضور فعال زیدی ها در ساختار سیاسی کشور یمن می تواند تفکر پیشین سیاست خارجی یمن را در قبال جمهوری اسلامی ایران تغییر و سپس، تعدیل نماید. (هوشی سادات، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳)

هویت شیعی حاکم بر انقلاب در کشور ایران، قدرت تفکر و اندیشه در بین شیعیان منطقه خصوصاً در جنوب یمن را تقویت نمود. انقلاب اسلامی در ایران که برگرفته از همان تفکر شیعی حاکم بر سیاست خارجی می باشد باعث ایجاد و تبلور بیداری اسلامی در جهان اسلام گردیده و این تأثیرات در بین جمعیت شیعیان و اهل تسنن کاملاً مشهود می باشد؛ بنابراین طبیعی است که جمعیت شیعیان در کشور یمن هم تحت تأثیر تفکرات انقلاب اسلامی در ایران قرار گیرند. لازم به ذکر است که این تأثیرپذیری فکری از انقلاب ایران تنها منحصر به جمعیت شیعیان در یمن نبوده بلکه بسیاری از عالمان اهل تسنن نیز از انقلاب اسلامی تأثیرپذیری داشته اند. بسیاری از رهبران فکر و اندیشه در بین اهل تسنن در سطح جهان اسلام مانند شیخ محمد غزالی و... را مشاهده کرده ایم که از انقلاب اسلامی در ایران تأثیرپذیری داشته و از آن دفاع نموده اند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۶۶)

بنابراین، انقلاب اسلامی از جمله عوامل تأثیرگذار در پیشبرد جریان بیداری و آگاهی مسلمانان در سطح جهان اسلام و نیز افزایش فعالیت‌های اسلامی در جامعه مسلمانان حاضر در منطقه غرب آسیا بوده است. درواقع به دنبال پیدایش و گسترش تفکرانقلاب اسلامی، روح درهم‌شکسته و ازپافتاده شیعیان در اقصی نقاط جهان اسلام خصوصاً در کشورهای عربستان سعودی، لبنان، عراق و نیز یمن زنده و در کالبد خسته آنان روح تازه‌ای دمید. پس‌ازانقلاب ایران، جمعیت شیعیان شهامت و شجاعت خویش را بازیافتند تا به شکل علنی و بی‌پرده شکایات و مطالبات خویش را در سطح جوامع خود مطرح نموده و با نظام حاکم در کشور خویش مبارزه نمایند. انقلاب اسلامی بر نحوه و چگونگی فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی جمعیت شیعی در این مناطق اثرات چشم‌گیری داشته است. شیعیان منطقه با الهام از تفکرانقلاب اسلامی که برگرفته از همان هویت شیعی می‌باشد توانایی مبارزه با نظام‌های مستقر در کشورهای خود را به دست آورده و در تلاش برای دست یافتن به حقوق ازدست‌رفته خویش برآمده و در حال حاضر به جایگاه بهتری نسبت به قبل دست‌یافته‌اند که می‌توان شیعیان حوثی یمن را نمونه بارزی از جرأت و شجاعت شیعیان در منطقه غرب آسیا در مقابله با حاکمان ظلم و جور معرفی نمود.

انقلاب اسلامی ایران و احیای مقاومت شیعی در یمن

انقلاب اسلامی ایران با پیروزی خود در سال ۱۳۵۷ دو فاکتور اصلی یعنی بیداری اسلامی و احیای جبهه مقاومت را به همراه خود داشت به‌گونه‌ای که بیداری اسلامی و احیای جبهه مقاومت در میان کشورهای اسلامی تأثیر مستقیم پیروزی انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی بوده است. یکی از مناطقی که جبهه‌ی مقاومت اسلامی به رهبری ایران در منطقه تأثیر بسیار زیادی بر روی جنبش آن داشته است کشور یمن و جنبش حوثی‌ها است. شیعیان یمن مدت بیش از هزار سال قدرت و حکومت را در این کشور در دست داشتند، اما کودتای ژنرال عبدالله سلال که یک سیاست‌مدار اهل یمن بود و با حمایت و تحریک مصر در سال ۱۹۶۲ رخ داد باعث شد یمن به جمهوری متحده عربی شکل گرفته توسط مصر بپیوندد و سبب شد قدرت از دست شیعیان خارج‌شده و سلال از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ به‌عنوان رئیس‌جمهور یمن در قدرت حضورداشته باشد. (نیشابوری، ۲۰۱۴: ۴۸۰) اما طولی نکشید که وقوع انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای منبعث از آن سبب شد تا شیعیان یمن به‌تدریج از انزوای ژئوپلیتیکی خارج‌شده و با وقوع خیزش‌های مردمی از سال ۲۰۱۱ در جهان عرب موسوم به بیداری اسلامی، دوباره به احیاء و تجدید قدرت خود بپردازند. واقعیت امر این‌که انقلاب اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی حاکم بر سیاست خارجی خود، امید را به شیعیان جهان برگردانده است. انقلاب اسلامی حس اعتمادبه‌نفس ازدست‌رفته نه‌تنها شیعیان، بلکه مسلمانان را به آن‌ها برگردانده است. واقعیت دیگر این است که انقلاب اسلامی ایران، قدرت فکری و فرهنگی شیعه در جنوب یمن را نیز تقویت کرده است. (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶، تقریب نیوز) درمجموع، انقلاب اسلامی و تفکر شیعی حاکم بر آن، نه‌تنها موجب مراجعت مجدد به زیدیه شده، بلکه موجب گردیده تا اصول جهادی موجود در فرهنگ مذهبی آنان پررنگ‌تر از گذشته نمود یابد و جنبش حوثی از دل گروه‌های شیعیان این کشور، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی مخالفان تبدیل شود.

بررسی تطبیقی و پیامدهای استراتژیک سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال یمن

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت بیان می‌گردد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر مبنای نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی، حفظ استقلال فراگیر و همه‌جانبه و حفظ تمامیت ارضی جمهوری اسلامی، دفاع و پشتیبانی از حقوق

همه مسلمانان در اقصی نقاط جهان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و سلطه‌جو و روابط صلح‌آمیز فی‌مابین با دولت‌ها و حکومت‌های غیر محارب استوار می‌باشد. بنابراین اهداف کلان جمهوری اسلامی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۱: رشد، توسعه و گسترش اقتصادی و نیز حفظ تمامیت ارضی کشور و حاکمیت ملی

۲: دفاع از حقوق مسلمانان در اقصی نقاط جهان و نیز دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و تعارض و مبارزه با سلطه‌جویی غرب و اسرائیل بر جغرافیای مسلمانان

۳: برپایی و استقرار یک جامعه اسلامی بر اساس اصول و مبانی تشیع

در همین خصوص، جمهوری اسلامی در قبال یمن و تحولات شکل‌گرفته در سال‌های اخیر، از همان سیاست دفاع و پشتیبانی از یک گروه جمعیتی و یک جنبش بر خواسته از بطن جامعه یمن و غیرقابل چشم‌پوشی با مطالبات به‌حق کمک گرفته است، یعنی حوثی‌ها و انصار الله. به‌درستی که جمهوری اسلامی تحولات شکل‌گرفته در سال‌های اخیر در کشور یمن را در قالب بیداری اسلامی ارزیابی نموده که سبب کاهش نفوذ کشورهای غربی در منطقه غرب آسیا می‌شود. از همین رو، حاکمیت جمهوری اسلامی به دنبال اتحاد، یکپارچگی، همبستگی و نقش‌آفرینی کلیه جریان‌های مذهبی و سیاسی در چشم‌انداز آینده این کشور می‌باشد. در همین راستا می‌بایست به نفوذ گسترده معنوی جمهوری اسلامی در بین شیعیان زیدی و به‌ویژه جنبش حوثی‌ها اشاره نمود که نگرانی‌های عربستان و آمریکا را برانگیخته است.

از دیگر اثرات انقلاب اسلامی بر شیعیان حاضر در کشور یمن و به‌ویژه جنبش حوثی می‌توان به آرمان‌ها و اهداف حوثی‌ها در مبارزه با صهیونیسم و استکبار جهانی اشاره نمود. بر همین اساس عربستان سعودی تلاش زیادی را جهت به حاشیه راندن جمعیت شیعیان انجام داده است که ازجمله می‌توان به کمک و پشتیبانی از دولت یمن در راستای سرکوب حوثی‌ها اشاره نمود. همان‌طور که مستحضرد جمهوری اسلامی با پانزده کشور دارای مرز آبی و خاکی می‌باشد که هیچ‌کدام از این کشورها متحد طبیعی ایران نبوده و بسیاری نیز به‌عنوان پایگاه برخی اقدامات تخریبی و ضد ایرانی آمریکا، صهیونیسم و عربستان سعودی عمل می‌نمایند. جمهوری اسلامی برای جبران این معضل امنیتی، با گروه‌ها و جریان‌های مایل به ارتباط و همکاری با جمهوری اسلامی در دیگر کشورها ارتباط برقرار نموده است؛ مانند شیعیان عراق، شیعیان لبنان (حزب‌الله لبنان)، بحرین، کردهای عراق و زیدی‌های یمن (جنبش حوثی). (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

تأثیر سیاست خارجی ایران بر جنبش حوثی‌های یمن در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن را می‌توان به شکل ذیل دسته‌بندی نمود:

بعد سیاسی: جنبش حوثی در یمن از منظر سیاسی کلیه مواضع ایران که برگرفته از همان هویت شیعی حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشد را نسبت به آمریکا، صهیونیسم و فلسطینیان پذیرفته‌اند و آن را با تفکرات و اعتقادات شیعی خود مطابقت داده و متوجه شده‌اند که با عقاید و تفکرات آن‌ها بسیار همخوانی دارد؛ بنابراین بر اساس همین تفکرات، باورها و اعتقادات عمل می‌نمایند. به‌عنوان مثال در بعد سیاسی زمانی که دولت حاکم یمن در حال تقویت رابطه خود با آمریکا بود، حوثی‌ها نسبت به این اقدام واکنش نشان داده و به‌طور کلی جنگی که با حسین الحوثی شروع گردید، ریشه‌اش این بود که حسین و هم‌زمانش شعار معروف الموت لأمريكا و اسرائیل را سر داده و دولت حاکمه یمن در تلاش برای برقراری رابطه با کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی بود که با

اعتراض شدید گروه حوثی مواجه گردید و این موضوع بر اثر تأثیرات تفکرات حاکم بر انقلاب اسلامی و برگرفته از همان مذهب تشیع بود که در نهایت منجر به مقابله دولت حاکمه یمن با این گروه مذهبی گردید.

بعد اجتماعی: جنبش حوثی‌های یمن از نگاه اجتماعی نیز از تفکرات و آرمان‌های حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منجر شد که زیدیان روحیه و انگیزه تازه‌ای را به دست آورده و تا مدتی با این روحیه جدید به فعالیت‌های فکری و فرهنگی در یمن بپردازند. انقلاب اسلامی باعث گردید که جمعیت شیعیان زیدی در کشور یمن به آینده خود امیدوار شده و به این باور رسیدند که می‌توانند مجدداً به فضای سیاسی یمن بازگردند. به همین علت از آغاز پیروزی انقلاب در ایران آنان فعالیت‌های فکری، اجتماعی و فرهنگی خود را بست و گسترش داده و به‌طور کلی باید این‌گونه بیان نمود که تأثیرات انقلاب اسلامی منجر شد که جنبش حوثی‌ها در یمن با سرعت زیاد و با قدرت روزافزون وارد فاز احیاء و بازگشت هویت شیعی خویش و گذشته خود شوند و جامعه یمن و به‌خصوص جنبش انصار الله از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شخصیت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) تأثیر زیادی گرفته‌اند. در حال حاضر هم شیعیان حوثی با الهام از همان هویت شیعی انقلاب ایران توانسته‌اند در راستای بحران یمن فضای سیاسی اجتماعی این کشور را به دست گرفته و به فعالیت‌های اجتماعی در این کشور با قوت بیشتری ادامه دهند.

بعد فرهنگی: از منظر فرهنگی هم می‌توان از موضوع مبارزه با وهابیت نام برد. تنها عاملی که توانست به‌عنوان یک عامل بازدارنده مانع موفقیت تفکر وهابی و سرمایه‌گذاری‌های میلیاردی آنان در یمن شود، مقاومت و ایستادگی شیعیان زیدی و شخصیت مقاوم و بارز علامه بدر الدین الحوثی و همفکران و متحدان ایشان در کشور یمن بوده است و به‌طور کلی باید این‌گونه بیان نمود که حوثی‌ها با فعالیت‌های گسترده فکری و فرهنگی خود که برگرفته از هویت شیعی حاکم بر انقلاب اسلامی ایران بود، توانستند تأثیرات فرهنگی زیادی در جامعه و به‌خصوص در بین شیعیان یمن از خود به‌جای گذاشته و به فعالیت‌های فرهنگی در راستای جهاد تبیین در بین مردم یمن بپردازند. (اسماعیل‌پور، خبرگزاری تقریب، ۱۳۹۶)

تحلیل نقش و پیامدهای نفوذ هویتی ایران در تقویت گروه‌های همسو و موازنه قدرت در یمن

یکی دیگر از اثرات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن ارتقای جایگاه گروه‌های همسو در یمن می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با اندیشه‌های شیعی همواره مبارزه با تفکر مسموم افراطی‌گری و تروریسم، کمک به تقویت روندها و جریان‌های سیاسی، حل بحران‌ها و معضلات منطقه‌ای، نفی هرگونه مداخله خارجی، مخالفت با تفکر نظامی‌گری و حمایت از تحقق خواسته‌ها و مطالبات مردمی در سطح منطقه غرب آسیا را در دستور کار خود قرار داده است. ایران در مورد بحران شکل گرفته در سال‌های اخیر در کشور یمن نیز همین مسیر را دنبال نموده است. جمهوری اسلامی از آغاز نهضت مردمی شکل گرفته در یمن به‌ویژه در دوره اخیر بر این مسئله تأکید نموده که گفت‌وگوها و مذاکرات ملی، راهکار برقراری ثبات و امنیت و تحقق خواسته‌های به‌حق مردم یمن می‌باشد. از جهت‌دهی جمهوری اسلامی ایران به مطالبات و رفتار سیاسی شیعیان یمن، می‌توان به اثرگذاری‌های هویتی ایران در اثنا بحران یمن اشاره نمود. با توجه به مواضع مقامات جمهوری اسلامی، از ضروریات مهم این گفتگوهای ملی در یمن، عدم دخالت خارجی در امور داخلی و تصمیم‌گیری در زمینه‌ی تحولات سیاسی یمن است. همچنین حاکمانی که در این اوضاع امور کشور یمن را به دست خواهند گرفت، می‌بایست نماینده همه مردم یمن باشند و نه منافع گروه یا کشوری خاص را دنبال نمایند و همواره وحدت ملی این کشور را در دستور کار خود قرار دهند. (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۷۰)

در راستای ایفای نقش سازنده ایران در بحران یمن، اتخاذ چنین رویکردی از سوی جمهوری اسلامی کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، زیرا وضعیت یمن در حال حاضر بسیار نابسامان بوده و در کنار ناامنی‌های ناشی از تهاجم عربستان و متحدان آن در سال‌های اخیر و به خصوص حملات مجدد آمریکا و متحدان آن در یکسال اخیر، شرایط معیشتی مردم یمن نیز در وضعیت بسیار بدی می‌باشد و مردم در تأمین نیازهای اولیه خود دچار مشکل می‌باشند.

در راستای ارتقای جایگاه گروه‌های همسو هویتی در یمن می‌توان گفت:

جمهوری اسلامی ایران با شروع بحران یمن تلاش کرده است تا شیعیان یمن را متوجه اصل حق حاکمیت بر سرنوشت خویش نماید و خودآگاهی و هویت شیعی آن‌ها را بیدار سازد. لازم به ذکر است، حمایت ایران از انصار الله و مردم یمن، حمایت سیاسی است و متشکل از پوشش سیاسی و حمایتی از خواسته‌های مشروع مردمی و موج پیش‌رونده مردمی که در یمن ایجاد شده است. حضور ایران در یمن حضور نرم افزارانه است و انصار الله پیوند ایدئولوژیک با مدرسه سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی دارند. (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۶)

در راستای تکمیل بحث ارتقای جایگاه گروه‌های همسو هویتی در یمن توسط جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت:

تغییر و تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا محور اصلی دگرگونی در موازنه قدرت منطقه‌ای می‌باشد. هرگونه تغییر و تحول در ساخت قدرت سیاسی کشورهای حاضر در منطقه غرب آسیا، برای کشورهای گوناگون پیامدهای استراتژیک و راهبردی خواهد داشت. به بیانی دیگر، جابه‌جایی قدرت و حاکمان و رهبران سیاسی در منطقه غرب آسیا نه تنها باعث ایجاد خلاء قدرت در سطح منطقه‌ای می‌گردد بلکه می‌توان آن را آغاز گروا زمینه‌ساز دگرگونی‌های بنیادین در حوزه امنیت منطقه‌ای دانست؛ بنابراین تغییر و تحولات مربوط به بهار عربی در منطقه غرب آسیا بر معادله قدرت و موازنه منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود. (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: شماره ۳، ص ۳۵)

ایران سعی می‌کند در محیط محدودیت محور برای جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل از همان مؤلفه هرچند ضعیف خود مثل شیعیان یمن حمایت کند تا مانع از پیشینه‌سازی قدرت کشورهای مانند عربستان شود. در واقع قدرت‌یابی جنبش انصار الله در کشور یمن با الهام از همان هویت شیعی بر گرفته از تفکر انقلاب اسلامی و پیدایش یک حکومت اسلامی و مردمی در این کشور، همسو و هم‌راستا با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی نیز می‌باشد. در صورت تحقق پیروزی کامل و تسلط جنبش انصار الله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت در غرب آسیا شکل خواهد گرفت و این امر به منزله توسعه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه و محاصره عربستان سعودی توسط شیعیان حاضر در منطقه می‌باشد.

نقش ایران در تقویت جنبش انصار الله یمن: از ام‌القرای تا متحد استراتژیک

یکی دیگر از اثرات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن ترویج و احیاء شیعیان حوثی بود. با گسترش موج بیداری اسلامی و همچنین خیزش انقلابی شیعیان در یمن و پیروی از اندیشه و مکتب رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حرکت استکبارستیزی انقلاب، جمهوری اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام الگویی پیش روی انقلابیون یمن قرار گرفت که این کنشگر منجر به ترویج و احیاء شیعیان حوثی در کشور یمن گردید. به شکلی که در صناعا، پایتخت یمن با بنرها و پوسترهایی در تأیید جنبش حزب الله و تصاویری از رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و مقام معظم رهبری، همراه با شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهودیان و پیروز باد اسلام»، آذین شده بود؛ بنابراین، این مسئله می‌تواند دست برتر ایران را در معادلات منطقه غرب آسیا به همراه داشته باشد. از طرفی دیگر احیاء شیعیان حوثی در یمن و تسلط آنان بر جغرافیای کشور خود باعث گردید تا عربستان سعودی از نظر سیاسی در محاصره قرار گیرد، زیرا عربستان مجبور شد واقعیت جدید شکل گرفته در کشور یمن یعنی به قدرت رسیدن انصار الله را

بپذیرد. بنابراین تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه غرب آسیا راه را برای متحد جمهوری اسلامی یعنی حوثی‌های یمن هموار نموده تا نفوذ خود در حوزه سرزمینی یمن را مستحکم نموده و برگ‌های برنده‌ای جهت تأثیرگذاری در منطقه داشته باشند. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

از طرفی دیگر، بخشی از دیدگاه جمهوری اسلامی در قبال بحران شکل گرفته در سال‌های اخیر در کشور یمن به جهت حمایت و پشتیبانی از جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادی‌بخش مردمی شکل گرفته در یمن می‌باشد. بر همین اساس جمهوری اسلامی در تلاش است نفوذ سیاسی خود را گسترش داده تا از طریق قدرت نرم و با کمترین سرمایه‌گذاری، برنامه‌ها و اهداف خود را که همان ترویج و احیاء شیعیان حوثی در کشور یمن می‌باشد را به‌پیش ببرد؛ چراکه به‌طور کلی اکثر حوثی‌های یمن به ایجاد روابط با جمهوری اسلامی تمایل دارند. نکته اساسی اینکه مبانی ایدئولوژیک و نقش‌آفرین جمهوری اسلامی در بحران شکل گرفته در کشور یمن در سال‌های اخیر، بسترهای لازم جهت کنشگری هویت‌بخش و بقا محور کشور را به وجود آورده است. بر همین اساس، یمن را می‌بایست در زمره کشورهایی در منطقه غرب آسیا بشمار آورد که به علت وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک و همسو با جمهوری اسلامی، تأثیرپذیری از هویت شیعی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی، پیوندهای عمیق و ژرف تاریخی و فرهنگی و نیز قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا، از اهمیت ویژه و قابل‌ملاحظه‌ای در راستای حفظ نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار می‌باشد. این در حالی است که از طرفی دیگر تنها محور کارآمد به‌منظور مقابله و رویارویی بانظم منطقه‌ای شکل گرفته در سال‌های اخیر که توسط آمریکا ایجاد گردیده است، محور «مقاومت اسلامی» می‌باشد و این گزاره نیز گاه‌به‌گاه از طرف مسئولان ایرانی و یمنی مورد تأکید قرار گرفته است. مسئله مهم‌تر اینکه، نگرانی‌های ناشی از وجود «دشمن مشترک»، زمینه نزدیکی جمهوری اسلامی و متحدین آن در یمن را به‌ویژه در ابعاد امنیتی و دفاعی فراهم نموده است. همکاری دو کشور را می‌توان همانند ابزاری کارآمد و مؤثر جهت ایجاد و توسعه بازدارندگی در مقابل توسعه‌طلبی‌های عربستان سعودی و گسترش نفوذ ایدئولوژیکی تشیع در جغرافیای خلیج فارس و دریای عمان قلمداد نمود. (رستمی، لطفی، پیرمحمدی، ۱۳۹۷: ۲۳)

جنبش انصار الله یمن با رهیافت و رویکرد انقلابی مذهب زیدیه و همچنین روحیه انقلابی گری مذهب تشیع و گفتمان انقلاب اسلامی در بطن جامعه یمن توانست در امر رهایی از بند استبداد داخلی و استکبار جهانی موفقیت‌های شایانی را به دست آورد. درواقع تداوم سیاست ترویج و احیاء هویت شیعیان زیدی در یمن با الهام از هویت شیعی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود که توانست، در مقابل فساد سیاسی، اقتصادی داخلی و امپریالیسم و توسعه‌طلبی کشورهای قدرتمند در سطح نظام بین‌الملل و منطقه غرب آسیا مانند عربستان سعودی قد علم نموده و حمایت اکثریت مردم یمن را به دست آورده و خودش را به نمایش بگذارد، همچنین امروزه هم توانسته دولت یمن و بقیه کشورهای حامی عربستان سعودی و آمریکا را به چالش بکشد و از طرفی احیاء هویت شیعی در شیعیان زیدی در حال حاضر در سیاست‌گذاری‌های داخلی و جهانی تأثیرگذار است که نمونه آن را می‌توان در صحنه بین‌الملل این‌طور بیان کرد که جهان این نیرو را به حیث یک نیرو و یک بازیگر تازه در مناسبت‌های بین‌المللی به شمار می‌آورد. (اسماعیل‌پور، خبرگزاری تقریب، ۱۳۹۶)

در جمع‌بندی بحث می‌توان این‌گونه بیان نمود که ایران با الهام از هویت شیعی و با تقویت حس انقلابی و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، بر ایفاء نقش خود در غرب آسیا و رسیدن حوثی‌های یمن به وضعیت مطلوب‌تر و شرکت دادن آن‌ها در اداره امور کشور تأکید دارد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه هویت انقلابی تلاش نموده تا حوثی‌های یمن را متوجه اصل حق حاکمیت بر سرنوشت خود در حوزه جغرافیایی کشور خویش بنماید و درعین حال خود باروی و هویتی شیعی آن‌ها را بیش‌ازپیش بیدار سازد؛

بنابراین کمک به حوثی‌های یمن توسط جمهوری اسلامی ایران، دقیقاً در منظومه هندسه انقلاب اسلامی و برگرفته از اصل ۱۵۴ قانون اساسی ایران در خصوص کمک به مستضعفان عالم و با الهام از هویت شیعی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

محدودیت‌ها، چالش‌ها و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

تأثیر هویت شیعی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال حوثی‌های یمن، یک پدیده چندوجهی است که محدودیت‌ها، چالش‌ها و پیامدهای قابل توجهی در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه دارد. درک این پدیده مستلزم بررسی دقیق نقش هویت شیعی، به ویژه شاخه‌های زیدیه (که حوثی‌ها به آن تعلق دارند) و اثنی‌عشریه (که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند)، در شکل‌دهی به استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران است. از یک سو، نزدیکی مذهبی و احساس همبستگی شیعی، به عنوان یک عامل اصلی در حمایت ایران از حوثی‌ها عمل کرده است. این حمایت شامل کمک‌های مالی، آموزش نظامی و مستشاری بوده که هدف آن تقویت موقعیت حوثی‌ها در برابر دولت یمن و ائتلاف سعودی است. این رویکرد، ناشی از درک جمهوری اسلامی ایران از حوثی‌ها به عنوان مدافعان ارزش‌های شیعی در برابر تهدیدات وهابی‌گری و تکفیری‌گری در سطح منطقه غرب آسیا می‌باشد.

با این حال، این سیاست خارجی با محدودیت‌های جدی روبرو است. اولاً، حمایت ایران از حوثی‌ها، اتهامات مداخله خارجی در امور یمن را تقویت نموده و روابط ایران را با کشورهای منطقه به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تحت تأثیر قرار داده است. ثانیاً، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، توانایی تهران در ارائه کمک‌های گسترده به حوثی‌ها را محدود کرده و پیچیدگی‌های دیپلماتیک قابل توجهی را ایجاد کرده است. ثالثاً، نگرانی‌های بین‌المللی در مورد گسترش اقدامات حوثی‌های یمن در سطح منطقه غرب آسیا و ادعای نقض حقوق بشر توسط آن‌ها، فشار بر ایران را برای تعدیل سیاست‌های خود افزایش داده است.

پیامدهای منطقه‌ای حمایت ایران از حوثی‌های یمن، منجر به گسترش حمایت کشورهای عرب منطقه در تقویت گروه‌های شورشی و ایجاد یک فضای ناامنی و بی‌ثباتی کلی در منطقه غرب آسیا و در سطح بین‌المللی گردیده است. در نهایت، این سیاست، بر تلاش‌های کشورهای درگیر در منطقه برای حل بحران یمن و دستیابی به یک راه حل سیاسی پایدار سایه افکنده است. (مصلی نژاد، ۱۳۹۱:

شماره ۳، ص ۳۵) (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۵۰)

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ضمن بررسی تاثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن و با تکیه بر هویت شیعی، لازم است تحلیل عمیق‌تری نسبت به ابعاد مختلف این تعامل ارائه شود. پژوهش حاضر، با وجود اشاره به نقاط کلیدی، نیازمند بسط و تفصیل بیشتری است تا تصویری جامع‌تر از این پدیده ارائه گردد. انقلاب اسلامی ایران، بدون تردید، جرقه‌ای برای بیداری اسلامی و همبستگی شیعیان در غرب آسیا بوده است. این بیداری، فراتر از صرفاً یک احساس تعلق مذهبی، به معنای احیای آرمان‌های عدالت‌خواهانه، استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر سلطه قدرت‌های خارجی است. این آرمان‌ها، در یمن نیز بازتاب یافته و حوثی‌ها را به عنوان یک نیروی فعال در صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور مطرح نموده است. با این حال، نباید صرفاً به بُعد مذهبی این تحولات اکتفا نمود. عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری جنبش حوثی ایفا نموده است. محرومیت‌های اقتصادی، تبعیض‌های قومی و سیاسی و احساس به حاشیه رانده شدن در ساختار قدرت، از جمله این عوامل هستند که در کنار هویت شیعی، حوثی‌ها را به سمت مقاومت و مطالبه‌گری سوق داده است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اصول اساسی و اعتقادات مذهبی شکل گرفته، اما این اصول باید در چارچوب واقعیت‌های بین‌المللی و منافع ملی تفسیر و اجرا شوند. تأکید بر دفاع از حقوق مسلمانان و مستضعفین، مبارزه با نظام سلطه و حفظ استقلال کشور، اهداف ارزشمندی هستند، اما نحوه دستیابی به این اهداف نیازمند رویکردی هوشمندانه و انعطاف‌پذیر است. حمایت از حوثی‌ها، به عنوان یک ابزار برای گسترش نفوذ ایران در منطقه، می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای را به همراه داشته باشد. درگیری‌های مستمر در یمن، بحران انسانی فزاینده و دخالت قدرت‌های خارجی در این کشور، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های این معادله است. بنابراین، سیاست جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای باشد که ضمن حمایت از حوثی‌ها در جهت احقاق حقوقشان، از تشدید درگیری‌ها و وخامت اوضاع انسانی جلوگیری کند.

برای ارائه پیشنهاداتی در زمینه سیاست خارجی ایران در قبال یمن، لازم است به چند نکته کلیدی توجه شود:

۱: یمن یک کشور مستقل و دارای حاکمیت است. باید از دخالت مستقیم در امور داخلی این کشور پرهیز شود و به جای آن، از طریق دیپلماسی و گفت‌وگو، به دنبال حل بحران و ایجاد ثبات باشیم.

۲: حمایت از حوثی‌ها باید به صورت معقول و متناسب با شرایط موجود باشد. ارائه کمک‌های اقتصادی، آموزشی و بهداشتی، می‌تواند به بهبود اوضاع معیشتی مردم یمن و تقویت جنبش حوثی کمک نماید، بدون اینکه به عنوان یک اقدام نظامی تلقی شود.

۳: ایران باید با سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه یمن تعامل داشته باشد. ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای برای حل بحران یمن، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد یک راه حل پایدار کمک کند. این ائتلاف باید شامل کشورهای عربی، سازمان ملل متحد و سایر قدرت‌های ذی‌ربط باشد.

۴: ایران باید به دنبال تقویت روابط خود با سایر گروه‌های سیاسی و مذهبی در یمن باشد. ایجاد یک گفت‌وگوی ملی فراگیر، می‌تواند به ایجاد یک حکومت فراگیر و باثبات در یمن کمک کند.

با توجه به ژئوپلیتیک تشیع و اهمیت یمن در معادلات منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ رویکردی هوشمندانه و مبتنی بر دیپلماسی، نقش سازنده‌ای در حل بحران یمن ایفا نماید. به جای تمرکز صرف بر حمایت از یک گروه خاص، باید به دنبال ایجاد یک فضای امن و پایدار برای همه مردم یمن باشد. این امر مستلزم درک عمیق از پیچیدگی‌های این کشور، احترام به حاکمیت ملی و تعامل سازنده با سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. همچنین، لازم است که به یاد داشته باشیم، صدور انقلاب اسلامی، از طریق تحمیل یک الگوی خاص سیاسی و مذهبی، قابل تحقق نیست. بلکه، این آرمان‌ها باید از طریق الهام‌بخشی، گفت‌وگو و همکاری، در بین مردم یمن گسترش یابد. در نهایت، تقویت خودباوری و هویت شیعی در یمن، باید در کنار ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی، صورت پذیرد. این امر مستلزم حمایت از آموزش و پرورش، ارتقای سطح آگاهی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه شهروندان یمن است. به این ترتیب، می‌توانیم به ایجاد یک یمن آزاد، مستقل و دارای جایگاه تاثیرگذار در منطقه غرب آسیا کمک

کنیم که به عنوان یک عامل ثبات و صلح در منطقه ایفای نقش نماید. این رویکرد، نه تنها به نفع یمن است، بلکه به نفع امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز خواهد بود.

در تحلیل نهایی، باید توجه داشت که درک صحیح از یمن و حوثی‌ها نیازمند فراتر رفتن از نگاه‌های صرفاً مذهبی و سیاسی است. باید به عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز توجه نمود. همچنین، لازم است که از تعمیم تجربیات سایر کشورها به یمن پرهیز شود. هر کشوری دارای شرایط و ویژگی‌های خاص خود می‌باشد و سیاست‌های خارجی باید با توجه به این شرایط تدوین شوند. در نهایت، موفقیت سیاست خارجی ایران در قبال یمن و خصوصاً حوثی‌ها، مستلزم داشتن یک دیدگاه جامع، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر منافع ملی است.

منابع:

الف: منابع فارسی

کتاب:

- پور احمدی، حسین. (۱۳۸۹). قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب
 - توکلی نیشابوری، نصرالله. (۲۰۱۴). آخرین سقوط آریاها: خاطرات اولین رئیس ستاد ارتش پس از انقلاب
 - جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). اطلس شیعه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
 - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۷). اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی (جلد دوم). انتشارات سمت
 - مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت
- پایان نامه‌ها، نشریات، فصل‌نامه‌ها و ... :

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۰). مقاله ارزیابی مفهومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی
 - رهبر، عباسعلی، نجات پور، مجید و یزدان پناه، محمد. (۱۳۹۵). ارزیابی نظریه ژئوپلیتیک شیعه. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۶
 - رستمی، فرزاد، لطفی، کامران و پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۷). جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار
 - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری. (۱۳۸۵). مجله حصون، شماره ۱۰
 - سمیعی، علیرضا و فتحی، عبدالرضا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه (با تأکید بر رویکرد سازه‌نگاری). مطالعات جهان اسلام، سال دوم، شماره یک
 - عباسی، مجید و گلچین، سعید. (۱۳۹۴). انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۹، زمستان
 - مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۱). پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۳
 - نجات، سید علی و موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا. (۱۳۹۵). راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار
- ب: منابع لاتین ترجمه شده :

- اسپوزیتو، جان. (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن (مترجم: محسن مدیرشانه‌چی). مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- هانتر، شیرین. (۱۳۸۰). اسلام و غرب (مترجم: همایون مجد). انتشارات فرزاد

ج: منابع اینترنتی :

- اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). پایگاه اینترنتی منابع اسلام. <http://www.fa.islamic-sources.com>

- اردم، نیلوفر. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های راهبردی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. <http://www.irdiplomacy.ir>
- اسماعیل‌پور، صدیف. (۱۳۹۶). ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حوثی یمن. خبرگزاری تقریب. <http://www.taghribnews.com/fa/article/306481>
- پارسایی، سید مهدی. (۱۳۹۲). طرحی برای سیاست خارجی ایران بازیگری در قالب پل منطقه‌ای. <http://www.irdiplomacy.ir>
- خبرگزاری دانشجو. (۱۳۹۶). کمک‌های ایران به یمن چگونه است؟ <https://snn.ir/fa/news/648704>
- شجاعیان، محمدرضا. (۱۳۹۵). بازتعریف سیاست خارجی در نظام بین‌الملل با قدرت دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران. سایت باشگاه خبرنگاران جوان www.yjc.ir
- هوشی سادات، سید محمد. (۱۳۹۳). روابط ایران و یمن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. وبسایت دیپلماسی ایران. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1945257>

Abstract

The Iranian Islamic Revolution marks a pivotal moment in the geopolitics of Western Asia and the Islamic world, highlighting the role of Shia Islam and creating a new hub for regional interactions. The Islamic Republic's foreign policy, leveraging Shia identity, has evolved beyond religious dimensions into a tool for expanding Iranian influence and strengthening its political standing. This policy, fostering a sense of belonging and bolstering self-belief among Shia communities – particularly in Yemen – has led to the emergence and strengthening of active political groups and Shia supporters. This research focuses on the Houthi movement in Yemen to examine the profound impacts of this foreign policy approach. The central question is: what effect has Iran's Shia-inspired foreign policy had on the Houthis of Yemen? The core hypothesis is that the Islamic Revolution not only accelerated the revival of Shia identity in the region but also influenced the formation and direction of the Houthis by providing inspiration for resistance, self-reliance, and struggle for a cause. Specifically, Iranian policies in Yemen have reinforced anti-monarchist narratives and emphasized independence among the Houthis, guiding them towards confronting foreign influence and defending their interests. Using a descriptive-analytical method and a constructivist theoretical framework, this research elucidates the mechanisms of this influence and explores its implications for regional stability and global security, demonstrating how Shia identity has become a strategic tool in Iranian foreign policy.

Keywords: Foreign policy - Shiite identity - Yemeni Houthis